

ماشین کشتار جمهوری اسلامی ایران، قصد ایستادن ندارد!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

«وقتی مرا گرفتند، صدای احدی در نیامد. در آغاز نازی‌ها سراغ کمونیست‌ها را گرفتند تا با خود ببرند و سر به نیست کنند. من سکوت کردم و لام تا کام حرف نزدم چون کمونیست نبودم. بعد از کمونیست‌ها سراغ اتحادیه‌های کارگری رفتند اما من چون در شمار آنان نبودم سکوت کردم. یهودی‌ها را که هدف گرفتند بازهم واکنشی نشان ندادم چون یهودی نبودم. تا این که آمدند خودم را دستگیر کنند ... حالا هیچ کس نبود تا صدایی به اعتراض برآرد.»

این یادداشت، مربوط به «مارتین نیمولر»، Martin Niemöller کشیش پروتستان ضد نازی Nazis است که به خاطر گفتار کوتاه شعرگونه‌اش، در همه جای دنیا از جمله ایران مشهور است.



محمد قبادلو و فرهاد سلیمی

جمهوری اسلامی ایران، با جزئی‌ترین خبری که مردم را شاد کند شدیداً دشمنی و خصومت می‌ورزد اما خبرهای بد را از کله سحر تا سرشان را به بالین گرم و نرم خود بگذارند تبلیغ و ترویج می‌کند به خصوص خبر اعدام که با اذان و نماز صبح‌شان اعلام می‌شود.

ماشین کشتار جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه سوم بهمن-۲۳ ژانویه ۲۰۲۴، هم‌زمان با اعدام محمد قبادلو، فرهاد سلیمی، زندانی سیاسی گرد اهل سقز را هم در زندان قزلحصار اعدام کرده است.

چند روز پیش هم یک زن جوان دانشجوی اهل کوه‌دشت با هویت آناهیتا امیرپور، با شلیک مستقیم نیروهای لباس شخصی اداره اطلاعات در شهر بروجرد استان لرستان کشته شد. نهادهای امنیتی با اعمال فشار بر خانواده و دوستان این دختر دانشجوی و هم‌چنین ربط دادن این موضوع به انفجارهای کرمان می‌خواهند که این قتل عمد حکومتی را با ستاریو سازی به پرونده امنیتی تبدیل کنند.

بر اساس گزارش ر سازمان حقوق بشری هه‌نگاو، شامگاه جمعه ۲۹ دی ۱۴۰۲-۱۹ ژانویه ۲۰۲۴، نیروهای لباس شخصی اداره اطلاعات بروجرد در منطقه نظام‌آباد این شهر سرنشینان یک اتومبیل پژو ۲۰۶ را به رگبار بسته‌اند که در نتیجه آن یک زن

دانشجوی ۲۰ ساله به نام آناهیتا امیرپور دانشجوی ترم اول رشته تربیت بدنی دانشگاه آزاد بروجرد در دم جانش را از دست داده است.

«م. جلاپی‌فر»، اهل بروجرد و راننده اتومبیل که وی نیز دانشجوی بوده، به شدت مجروح و هم‌اینک در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان «شهید چمران» شهر بروجرد، تحت مراقبت و بستری می‌باشد. به گفته یک منبع مطلع، پس از آن که نیروهای لباس شخصی اداره اطلاعات به سوی اتومبیل این دو دانشجوی هجوم می‌برند و از آن‌ها می‌خواهند که اتومبیل را متوقف و پیاده شوند. از آن جایی که این افراد لباس شخصی بر تن داشته‌اند، راننده ترسیده و اقدام به فرار کرده که در پی آن نیروهای لباس شخصی اداره اطلاعات اتومبیل این دو جوان را به رگبار بسته‌اند.



آناهیتا امیرپور

طبق گزارش‌ها، مسئولان زندان به خانواده فرهاد سلیمی با این که برای ملاقات آخر فراخوانده شده بودند، اجازه ملاقات نداده‌اند و او بدون ملاقات با خانواده اعدام شده است.

فرهاد سلیمی، متولد ۱۳۵۷، اهل سقز، در تاریخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۸۸ توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شد. قوه قضائیه جمهوری اسلامی او را به همراه انور خضری، کامران شیخه و خسرو بشارت به اتهام عضویت در یکی از «گروه‌های سلفی» و مشارکت در ترور یک روحانی نزدیک به حکومت به نام عبدالرحیم تینا به مرگ محکوم کرد. هر چهار نفر اتهام‌های وارده را رد کردند.

فرهاد سلیمی روز یک‌شنبه اول بهمن، به سلول انفرادی منتقل شده بود. زندانیان سیاسی زندان قزل‌حصار در نامه‌ای که به دست زمانه رسید نسبت به اجرای قریب‌الوقوع حکم اعدام او و محمد قبادلو، از بازداشت شدگان اعتراضات زن، زندگی، آزادی به شدت ابراز نگرانی کرده بودند.

عفو بین‌الملل، پیش‌تر تایید کرده بود که مقام‌های جمهوری اسلامی سه زندانی دیگر این پرونده را که تحت شکنجه قرار داشته‌اند یعنی قاسم آبسته، ایوب کریمی و داوود عبداللہی به ترتیب در ۱۴ آبان، ۸ آذر و ۱۲ دی سال جاری در زندان قزل‌حصار اعدام کرده‌اند.

با وجود مخالفت‌ها و انتقادهای گسترده داخلی و خارجی حکم اعدام محمد قبادلو، این جوان ۲۳ ساله را که در اعتراضات سال گذشته بازداشت شده بود به اجرا درآمد. محمد قبادلو از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری سال گذشته در ایران، بود که به «افساد فی‌الارض» از طریق «اقدام گسترده علیه ماموران موتوری نیروی انتظامی با اصابت خودروی سواری پیکان سفید رنگ منجر به کشته شدن استوار وحید کرم‌پور حسونند و مجروح شدن پنج مامور پلیس» متهم شده بود.

وکیل مدافع محمد قبادلو روز گذشته، در باره ابلاغیه اجرای حکم وی در توئیتر خود نوشت: «حکم اعدام محمد قبادلو پیشتر توسط شعبه اول دیوان عالی کشور نقض شده بود و پرونده به شعبه هم عرض (شعبه ۵ کیفری یک تهران) ارجاع داده شد تا با معاینات مجدد پزشکی قانونی، حکم مناسب صادر گردد. با این حال، پرونده ماه‌ها به دست این شعبه نرسید و در نهایت، شعبه اول دیوان عالی کشور اعلام کرد که رسیدگی به پرونده منوط به نتیجه رسیدگی در شعبه ۳۹ است. حالا این ابلاغیه اجرای حکم، چند ساعت پیش برای ما ارسال شده است! هر تصمیمی در فرایند ماده ۴۷۷ گرفته شده باشد نافی حق

محمد قبادلو برای رسیدگی مجدد در راستای اعاده دادرسی نیست. در نتیجه اجرای این حکم هیچ مجوز قانونی ندارد و بی‌تردید قتل محسوب می‌گردد.»

محمد قبادلو ۲۲ ساله، کارگر آرایشگاه و ساکن شهر پرنده بود. او سابقه ابتلا به اختلال دوقطبی را داشت که رای حکم شعبه اول دیوان عالی کشور نیز بر همین پایه صادر شد.

محمد قبادلو، نهمین معترض اعتراضات سال گذشته است که اعدام می‌شود. در ۲۲ روز نخست سال جدید میلادی، دست کم ۴۹ نفر در زندان‌های ایران اعدام شده‌اند.

هم‌زمان هر روز زندانیان سیاسی و عمومی، به بهانه‌های مختلف، و بدون آن‌که روند دادرسی عادلانه‌ای طی کرده باشند، به وکیل انتخابی دسترسی داشته باشند، با خانواده دیدار کرده باشند یا از زمان اجرای حکم باخبر باشند، اعدام می‌شوند. در چنین شرایطی، تشکل‌های اجتماعی و کارگری بار دیگر با انتشار بیانیه‌هایی هنوز در مسیر لغو مطلق مجازات اعدام حرکت می‌کنند.

در فوری‌ترین کارزار به راه‌افتاده، فعالان حقوق بشر و مدنی و کارگری در حال اعتراض و اطلاع‌رسانی برای مقابله با اعدام قریب‌الوقوع رضا رسایی و مجاهد کورکور هستند. آتنا دائمی در توثیق نوشته است:

طی هفته‌های گذشته، چندین بیانیه علیه حکم اعدام منتشر شده است: «تشکل‌های کارگری و اجتماعی» شامل «اتحاد بازنشستگان ایران»، «انجمن برق و فلز کرمانشاه»، «سندیکای نقاشان البرز»، «شورای بازنشستگان ایران»، «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت»، «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)»، «شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران»، «گروه بازنشستگان مستقل تهران»، «ندای زنان ایران»، و «نهاد دادخواهان»، «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» و «کانون نویسندگان ایران» منتشر شده است. در خارج کشور نیز کمپین وسیعی «نه به اعدام» در جریان بوده است.

هم‌چنین، ۳۶ تشکل بیانیه‌ای را خطاب به دولت‌ها و سازمان‌های جهانی با خواست لغو فوری احکام اعدام منتشر کرده‌اند: «ما از دولت‌های سراسر جهان، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا می‌خواهیم که اقدامات فوری و ملموسی را انجام دهند تا رژیم ایران را مجبور به لغو حکم‌های اعدام و توقف تمامی اعدام‌ها کنند. ما معتقدیم که جامعه بین‌المللی مسئولیت حفاظت از حق حیات و پایان دادن به اعدام را برعهده دارد.»

مبارزه علیه حکم اعدام، بدون آن‌که سازمان‌دهی مشخص و متمایزی داشته باشد، سال‌هاست که در ایران، جراین دارد و روزبه‌روز قوی‌تر و صدای معترضین رساتر می‌شود. تا پیش از شروع جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» و پس از آن تا به امروز، عمده اعتراضات به صدور احکام اعدام «ظالمانه» و روند ناعادله صدور احکام مربوط بود. اشاره‌ها عمدتاً به روند ناعادلانه‌ی گرفتن اعتراف اجباری با استفاده از شکنجه، و صدور احکام اعدام برای جرائمی بود که عمدتاً سیاسی به حساب می‌آید.



با این حال، از شروع جنبش انقلابی سال ۱۴۰۱، مبارزه علیه اعدام هم رفته رفته منسجم‌تر و مطلق‌تر شده است. معترضان طناب‌های دار را در خیابان‌های شهر، در دانشگاه‌ها و خانه‌ها به آتش کشیدند، و با آویختن آن در فضاهای دانشگاهی، شهری و عمومی، به حکم اعدام اعتراض کردند و در کنش‌گری‌هایی فردی به سیاق حرکت «دختران خیابان انقلاب»، با طناب داری در دست در معابر اصلی شهرها ایستادند. رفته‌رفته اعتراض‌ها به حکم اعدام جمعی‌تر و سازمان‌یافته‌تر شدند.

در بند سوم «منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های مستقل صنفی و مدنی ایران»، که «ممنوعیت هر قسم شکنجه روحی و جسمی» ذکر شده بود. این منشور به امضای ۱۹ تشکل شامل گروه‌های مختلف کارگری، صنفی، زنان، بازنشستگان، دانشجویان و دانش‌آموزان رسیده بود.

تشکل‌های کارگری و اجتماعی در بیانیه اخیر مشترک‌شان نوشته‌اند:

طناب دار این ابزار قتل عمد دولتی، سیاستی کثیف و خطرناک است که هدف مستقیمش مرعوب کردن ما مردم است. باید با قدرت اتحاد سراسری مبارزاتی مان جلوی حرکت این ماشین سرکوب و جنایت را بگیریم.

و در ادامه گفته‌اند که:

ما امضاءکنندگان این بیانیه در کنار خانواده‌های دادخواه اعدام‌شدگان و جانبختگان انقلاب زن، زندگی، آزادی بر **توقف فوری اعدام‌ها** تاکید داریم.

در یک بیانیه جداگانه، «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» هم مخالفت قاطع خود با مجازات اعدام را اعلام کرده و گفته «خواهان متوقف شدن بدون قید و شرط اعدام زندانیان سیاسی و عمومی است.»

پیش از این نرگس محمدی هم با اشاره به اعتراض زنان زندانی در جریان دیدار قضات دادگاه انقلاب در روز ۶ دی ماه از زندان اوین، گفته بود که آن‌ها شعارهایی علیه حکومت و سرکوب و اعدام زندانیان سر داده‌اند.

هم‌چنین دانشجویان دانشگاه علم و صنعت هم در بیانیه دانشجویان، به اعدام «نه» گفته بودند:

پاسخ دانشجویان به تمام نیروهای تمامیت خواه «نه» است. نه ... به مرکزگرایی، نه به اعدام و «نه» به هر آنچه که آزادی را نقض کند، چه مستبد باشد و چه تمامیت‌خواه.

در حالی که دیگر تردیدی نسبت به سوگیری، کین‌توزی، انتقام‌جویی در دستگاه قضایی ایران وجود ندارد و «زندگی» چنان بی‌ارزش است که احکام مرگ بی‌دریغ و با سرعت صادر و اجرا می‌شوند، چشم‌انداز شکل‌گیری یک مبارزه گسترده برای لغو مطلق حکم اعدام رفته‌رفته روشن‌تر می‌شود.

صدور بیانیه‌های مشترک از سوی گروه‌های بازنشستگان، کارگران و فرهنگیان که به شکل پیگیر و مستمر مطالبات صنفی خود را پیگیری می‌کنند، می‌تواند گامی برای فرارفتن جنبش‌های اعتراضی از مطالبات جدا افتاده و به هم پیوستگی جنبش‌های اعتراضی باشد.



مجید کاووسی‌فر

در روز یازدهم مرداد ۱۳۸۴، قاضی «حسن احمدی مقدس» که دست‌اندرکار صدور احکام ناعادلانه در خصوص نویسندگان معترض و یکی از مجریان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ و رئیس مجتمع قضایی ارشاد تهران بود به دست دو جوان شورشی به نام‌های حسین و مجید کاووسی‌فر به ضرب گلوله به قتل رسید.

ضارین بعد از ترور این فرد، به کشور امارت فرار کردند که در آنجا دستگیر و به ایران استرداد شدند. آن‌ها بعد از یک محاکمه نمایشی، محکوم به اعدام و هر دوی آن‌ها در ملاءعام به دار آویخته شدند. مجید کاووسی فر هنگام اعدام با دست بسته و از راه دور با برادر زاده خود خداحافظی کرد و تا آخرین لحظه زندگی لبخند بر لب داشت. خبرگزاری‌های جهان اعلام کردند که عکس اعدام مجید و حسین کاووسی فر به‌عنوان عکس دهه شناخته شده است.

سعید مرتضوی که خود نیز یک قاضی بسیار بدنام و از دست‌اندر کاران رسوایی‌های زندان کهریزک و هم‌چنین متهم به قتل زهرا کاظمی است به‌خاطر داشتن رابطه نزدیک با جانشین خود، «حسن احمدی مقدس» کینه بسیاری نسبت به مجید کاووسی فر داشت و برای همین شخصا در مراسم اعدام شرکت کرد و عکس‌هایی که آن زمان از اعدام مجید در سایت‌ها منتشر شد لبخند سعید مرتضوی را هنگام به دار آویختن وی نشان می‌داد.

این عکس از دو جوان ایرانی که در ۱۱ مرداد سال ۸۶ حلق آویز شدند، توسط عکاس رویترز برداشته شده بود. خبرگزاری رویترز، عکس اعدام مجید کاووسی فر و برادر زاده وی حسین کاووسی فر با جرثقیل را به‌عنوان عکس دهه انتخاب کرد. رویترز در توضیح این عکس نوشت: رژیم ایران روز پنج‌شنبه هنگام تجمع صدها نفر از مردم، مجید و حسین را بعزت کشتن یک قاضی که تعدادی از مخالفان را زندانی کرده بود به‌دار آویخت. مجید کاووسی فر، همراه با برادر زاده‌اش، در مرداد سال ۱۳۸۴، حسن مقدس، معاون دادستان تهران و سرپرست دادسرای ارشاد را در حالی که با اتوموبیل خود از دادسرا خارج می‌شد، به قتل رساند. مجید در صحنه اعدام لبخند بر لب داشت و شجاعانه به سوی مرگ شتافت.

ماشین کشتار جمهوری اسلامی که ترمزش بریده است قصد ایستادن ندارد و تنها در یک روز ۹ نفر در زندان قزل‌حصار اعدام شدند و این در حالی است که پیش‌تر سازمان‌های حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل نسبت به روند افزایشی اعدام در ایران، خصوصا در رابطه با اتهام‌های مربوط به مواد مخدر بارها هشدار داده بودند. به گفته سازمان حقوق بشر ایران، بعد از هفت سال مجدداً تعداد آمار اعدام سالانه در ایران از مرز ۶۰۰ نفر عبور می‌کند، در حالی که هنوز دو ماه به پایان سال میلادی جاری باقی مانده است.

در این میان، بیش از ۲۰ درصد شمار اعدام‌شدگان را اعدام شهروندان بلوچ تشکیل می‌دهد. مجموعه حقوق بشری «حال‌وش» که مسائل نقض حقوق بشر در استان سیستان و بلوچستان را پوشش می‌دهد، سه‌شنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۱، با انتشار گزارشی خبر داد که طی ۱۲۰ روز گذشته، دست کم ۸۱ زندانی بلوچ در زندان‌های مختلف ایران اعدام شدند. افزایش دست کم دوبرابری شمار اعدام‌شدگان شهروندان بلوچ در سال ۲۰۲۲ در حالی صورت گرفت که مردم این کشور در خیزشی سراسری مخالفت خود را با جمهوری اسلامی اعلام کرده و آن را فاقد هرگونه حقانیت برای حکم‌رانی دانسته‌اند. بر اساس گزارش‌های منابع حقوق بشری، از ۲۹ مرداد ۱۴۰۱ تا ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ دست کم ۱۲۵ شهروند بلوچ در زندان‌های مختلف کشور اعدام شده‌اند؛ این آمار تنها مربوط به اجرای احکام اعدامی است که «احراز هویت» شده‌اند. به گزارش حال‌وش، اکثر شهروندان بلوچ در زندان‌های زاهدان، بیرجند، یزد، بندرعباس، ایرانشهر، میناب و وکیل‌آباد مشهد اعدام شدند. این سایت می‌گوید بنابر اظهارات اکثر نزدیکان این زندانیان، پروسه قضایی و روند دادرسی قانونی در پرونده‌های این افراد به صورت عادلانه و شفاف طی نشده و تحت فشار اعترافات اجباری بوده است.

گزارش سالانه شبکه حقوق بشر کردستان که به سال ۲۰۲۳ اختصاص یافته به ابعاد گسترده‌ای از جنایات جمهوری اسلامی ایران در کردستان اشاره دارد، از جمله این که تعداد بازداشتی‌ها در کردستان به حداقل ۸۰۰ نفر رسیده که به گفته یک عضو این شبکه، شماری از آن‌ها قربانیان ناپدیدسازی قهری از سوی حکومت به شمار می‌آیند.

در این گزارش، به نقض حقوق مختلف از جمله حقوق ملی، زبانی، مذهبی، فرهنگی، جنسی-جنسیتی و سیاسی از سوی جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است. این گزارش، هم‌چنین به برخوردهای سرکوب‌گرانه نهادهای امنیتی، نظامی، قضایی و اجرایی حکومت ایران هم پرداخته و به موارد «قتل در بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها در اثر شکنجه» و هم‌چنین «مرگ زندانیان به دلیل محرومیت از رسیدگی پزشکی» با اسامی و مشخصات قربانیان اشاره کرده است.

کاوه کرمانشاهی، عضو مدیریت شبکه حقوق بشر کردستان در گفت‌وگو با زمانه می‌گوید فارغ از افزایش آماری مرتبط با نقض حقوق بشر در کردستان، در گزارش جدید به دلیل اهمیت موضوع، «فشار بر خانواده‌های دادخواه» و «آزادی دین و مذهب» در دو بخش مجزا مطرح شده است.

این فعال حقوق بشر، توضیح می‌دهد در رابطه با اهل سنت و پیروان آیین یارسان که دو گروه عمده مذهبی در کردستان هستند، توجه و حساسیت کم‌تری در بین نهادهای حقوق بشری و افکار عمومی نسبت به موارد متعدد بازداشت و صدور احکام برای فعالان آن‌ها وجود دارد.

طبق گزارش سالانه شبکه حقوق بشر کردستان، در لحظه نگارش این گزارش دست کم ۱۱ زندانی سیاسی و عقیدتی گرد اهل سنت به نام‌های رضا رسایی، یوسف احمدی، نایب عسکری، خسرو بشارت، انور خضری، کامران شیخه، فرهاد سلیمی، پژمان فاتحی، محسن مظلوم، محمد فرامرزی و وفا آذربار با احکام بدوی و قطعی اعدام در زندان‌های ارومیه، قزل‌حصار کرج، سنندج، کرمانشاه و بازداشتگاه نامعلوم به سر می‌برند. اتهامات این افراد «افساد فی الارض» و «محاربه» از طریق عضویت در احزاب اپوزیسیون گرد یا گروه‌های مذهبی اهل سنت و «مباشرت در قتل» عنوان شده است... سازمان عفو بین‌الملل نیز خردادماه سال جاری در گزارشی اعلام کرد که اعدام زندانیان با جرائم مربوط به مواد مخدر در ایران از ابتدای سال جاری میلادی تا آن زمان افزایش سه برابری داشته و آن را نگران‌کننده خوانده بود. در سال ۲۰۲۳، سازمان‌های حقوق بشر حداقل ۸۰۰ اعدام را ثبت کرده‌اند، این آمار شامل افراد دستگیر شده به اتهامات مرتبط با مواد مخدر نیز می‌باشد. این میزان اعدام نشان‌دهنده افزایش ۳۰ درصدی نسبت به سال گذشته است، و به این ترتیب ایران بالاترین نرخ سرانه اعدام به نسبت جمعیت را در جهان دارد.

در ایران بگیر و ببند و زندان و شکنجه بیداد می‌کند. دشمنان زندگی به همه جای ایران، تخم مرگ می‌پاشند تا امید مردم را نا امید کنند. اما جنبش‌های اجتماعی-سیاسی ایران و همه مردم عزم و اراده کرده‌اند تا این حکومت شکنجه و اعدام و بچه‌کش به گورستان تاریخ بفرستند و بر روی ویرانه‌های آن، بذر زندگی و شادابی و آزاده‌گی بکارند! تسلیت به مادر و پدر و همه عزیزان دردمند و داغدار محمد قبادلو و فرهاد سلیمی و همه مادران و خانواده‌های داغدار و مردم آزاده!

سه‌شنبه سوم بهمن ۱۴۰۲-بیست و سوم ژانویه ۲۰۲۴